



A Critical Assessment of Axiological Approach of Determinism in the Philosophy of Technology

✉ **Mostafa Eslami**  / A PhD. holder of Transcendent Theosophy, Imam Khomeini Institute of Education and Research
eslami.mostafa@yahoo.com

Muhammadali Mohiti Ardakan / An associate professor of philosophy group, Imam Khomeini Institute of Education and Research
mohiti@iki.ac.ir

Received: 2024/06/15 - **Accepted:** 2024/10/31

Abstract

Although technology has brought comfort and well-being to humans, its destructive consequences have not remained hidden from the eyes of humanities philosophers. One of the fundamental challenges in this field is the axiological approach of determinism in the philosophy of technology. Is humanity controlled by technology, or is technology controlled by humanity? And are goals and values separable from tools? This research, with a rational approach, has attempted to analyze, examine, and critique technological determinism from an axiological perspective. To this end, it first examines the relationship between voluntarism and determinism and their connection to essentialism and instrumentalism, and then analyzes the connection with values in analyzing the direct and indirect deterministic approach to technology. The data for this research were collected using the 'library' method and examined by the 'logical analysis' method. In criticizing the deterministic view of technology, attention must be paid to the conventional nature of technology. Therefore, it cannot be considered a force that places humans under its dominion and control. Disregard for the logical implications of human will and choice in systems based on free will (such as ethics and law) is another challenge of this approach. This analysis, along with examining the condition of value (i.e., the acquired nature of a trait or the volitional nature of an act), shows that technological products are not intrinsically valuable. However, if we consider technology within the framework of the act of a volitional agent, considering the agent's intentions, it can be axiologically evaluated.

Keywords: foundations of Islamic humanities, determinism, philosophy of technology, Islamic philosophy."

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی رویکرد ارزش‌شناختی جبرگرایی در فلسفه فناوری

eslami.mostafa@yahoo.com

mohiti@iki.ac.ir

مصطفی اسلامی  دکترای حکمت متعالیه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

محمدعلی محیطی اردکان / دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

چکیده

هرچند فناوری موجب آسایش و رفاه انسان شده، اما پیامدهای مخرب آن نیز از دید فیلسوفان علوم انسانی پنهان نمانده است. یکی از چالش‌های اساسی در این حوزه، رویکرد ارزش‌شناختی جبرگرایی در فلسفه فناوری است. آیا انسان در اختیار فناوری است، یا فناوری در اختیار انسان؟ و آیا اهداف و ارزش‌ها از ابزارها تفکیک‌پذیرند؟ این پژوهش با رویکردی عقلانی، کوشیده است جبرانگاری در فلسفه فناوری را از منظر ارزش‌شناختی، تحلیل، بررسی و نقد کند. به همین منظور، ابتدا نسبت اراده‌گرایی و جبرگرایی و ارتباط آنها با ذات‌گرایی و ابزارگرایی را بررسی کرده، سپس در تحلیل رویکرد مباشر و غیرمباشر جبرگرایانه به فناوری، ارتباط آن با ارزش‌ها را تحلیل نموده است. داده‌های این پژوهش به شیوه «کتابخانه‌ای» گردآوری و با روش «تحلیل منطقی» بررسی شده‌اند. در نقد دیدگاه جبری به فناوری، باید به وجود اعتباری فناوری توجه کرد. از این رو نمی‌توان آن را به‌مثابه نیرویی تلقی نمود که انسان‌ها را تحت تسلط و تدبیر خود قرار می‌دهد. بی‌توجهی به لوازم منطقی اراده و اختیار انسان در نظام‌های اختیاریان (مانند اخلاق و حقوق) از دیگر چالش‌های این رویکرد است. این تحلیل به همراه بررسی شرط ارزشمندی (یعنی اکتسابی بودن صفت یا اختیاری بودن فعل) نشان می‌دهد که محصولات فناورانه فی‌نفسه ارزشمند محسوب نمی‌شوند. با این حال، اگر فناوری را در قالب فعل فاعل مرید در نظر بگیریم، با توجه به نیت فاعل، می‌توان آن را ارزش‌دآوری کرد.

کلیدواژه‌ها: مبانی علوم انسانی اسلامی، جبرگرایی، فلسفه فناوری، فلسفه اسلامی.

مقدمه

علوم انسانی به مطالعهٔ انسان و پدیده‌های انسانی مرتبط با او می‌پردازد. امروزه فناوری به‌مثابهٔ یکی از مهم‌ترین پدیده‌های انسانی، با زندگی روزمرهٔ بشر پیوندی عمیق یافته است. «فلسفهٔ فناوری» می‌کوشد حقیقت این پدیده و پیامدهای آن را با روش عقلی بررسی کند.

با توجه به اینکه اندیشمندان در طول تاریخ همواره نظریاتی دربارهٔ تولیدات ابداعی بشر داشته‌اند، می‌توان گفت: پیشینهٔ کلی این مباحث همزمان با تاریخ اندیشهٔ انسانی شکل گرفته است. با این حال، آنچه امروزه با عنوان «فلسفهٔ فناوری» مطرح است، مطالعات فلسفی دربارهٔ فناوری نوین است که از اواخر قرن نوزدهم مطمح‌نظر قرار گرفته است. هشدار کارل مارکس دربارهٔ بهره‌کشی سرمایه‌داری تحت عنوان فناوری (ر.ک. مارکس، ۱۳۸۶)، اشارهٔ فرانسویس بیکن به گسترش مرزهای امپراتوری انسان از طریق فناوری برای تحقق تمام امور ممکن (Achterhuis, & et al, 2001, p3)، و تعریف جدید مارتین هایدگر از ذات فناوری نوین به‌منزلهٔ چیزی فراتر از یک امر صرفاً انسانی (Achterhuis, & et al, 2001, p5)، ازجمله نقاط آغازین مطالعات فلسفی فناوری در این دورهٔ زمانی محسوب می‌شوند.

در میان فیلسوفان این حوزه، نمایندگان برجستهٔ ذات‌گرایی، ازجمله هایدگر، ژاک الول (Jacques Ellul) و آلبرت بورگمن (Albert Borgmann) هستند که در این میان، هایدگر شاخص‌ترین شخصیت محسوب می‌شود (Feenberg, 1999, pviii). پس از او، فیلسوفان بسیاری با نگاه انتقادی، فلسفهٔ فناوری را بررسی کردند. برخی، همچون هایدگر با رویکرد متافیزیکی، برخی همچون لوئیس مامفورد (Lewis Mumford) با رویکرد ادبی، برخی مانند ژاک الول با نگاه حقوقی در مطالعات اجتماعی، و برخی مانند لنگدون وینر (Langdon Winner) با رویکرد علوم سیاسی مباحث فناوری را نقد کرده‌اند (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2023).

در غرب، آثار فلسفی متعددی در این حوزه نگاشته شده است که برخی از آنها ماهیت فناوری را با دیدگاه ذات‌گرایانه بررسی کرده‌اند. یکی از برجسته‌ترین این آثار، پرسش از تکنولوژی، اثر هایدگر است (Heidegger, 1954).

یکی از مسائل مهم در فلسفهٔ فناوری این است که آیا فناوری که ساختهٔ انسان است، تحت تسلط و هدایت او باقی می‌ماند، یا اینکه خود بر انسان سلطه یافته و رویکردی جبرگرایانه بر آن حاکم است؟

بر اساس نگاه اختیارگرا، انسان قادر است طراحی، ساخت، توسعه و بهره‌گیری از فناوری را بر اساس نیازهای خود تنظیم کند. اما بر اساس نگاه جبرگرایانه، فناوری بر ادراک و ارتباطات انسانی تأثیر می‌گذارد و توسعهٔ آن خارج از اختیار بشر رخ می‌دهد.

این پژوهش کوشیده است با رویکردی عقلانی، نگاه جبرگرایانه به فناوری را بررسی و نقد کند و بر اساس آن، امکان ارزش‌گذاری بر فناوری را تحلیل نماید. نوع تعامل انسان با فناوری و سیاست‌گذاری‌های او در قبال توسعه و بهره‌وری از آن، تحت تأثیر پاسخ به این پرسش قرار دارد. ادراک بشری و ارتباطات انسانی و اجتماعی نیز بسته به نوع پاسخ به این مسئله، به شیوه‌ای متفاوت عمل خواهد کرد.

از این‌رو علاوه بر پیامدهای نظری، این پژوهش تأثیرات عملی قابل توجهی بر حوزه کنش‌های فردی و اجتماعی انسان خواهد داشت.

در بررسی پیشینه خاص این پژوهش اثری که رویکرد ارزش‌شناختی جبرگرایی در فلسفه فناوری را با نگاهی هماهنگ به هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی فناوری تحلیل و نقد کند، یافت نشد. تحلیل رویکرد جبرگرایانه به فناوری از منظر ارزش‌شناختی و نقد آن، مهم‌ترین دستاورد این پژوهش محسوب می‌شود.

تحلیل موردی ارزش‌باری فناوری در اندیشه علامه مصباح یزدی در مقاله‌ای دیگر در حال نگارش است.

برای بررسی این مسئله، داده‌های لازم به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری و با روش «تحلیل منطقی» دوری شده است.

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. فلسفه فناوری

«فلسفه فناوری» مجموعه مبادی تصویری و تصدیقی است که با روش عقلی درباره فناوری قابل طرح است. از این‌رو مسائلی مانند حقیقت و چیستی فناوری، قلمرو و میزان تأثیرگذاری مصنوعات صنعتی، خنثا بودن یا ارزش‌باری فناوری و ارتباط اخلاق با فناوری در این قلمرو مطرح می‌شود. در پژوهش حاضر، ترکیبی از هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی فناوری مرکز بحث است.

۱-۲. ارزش

واژه «ارزش» (Value) در لغت به معنای برازندگی، شایستگی و عملی دارای ارزیابی معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۰). همچنین به معنای مطلوبیت و دارای فایده و نفع نیز به کار می‌رود (Merriam-webster, 2025).

اما در اصطلاح، در علوم گوناگونی همچون اخلاق، سیاست، حقوق و اقتصاد کاربرد خاص خود را دارد و محققان هر یک از این رشته‌های علمی، معنای ارزش را در حوزه دانش خویش بررسی کرده‌اند. این مطالعات زمینه شکل‌گیری رشته‌ای شده است به نام «ارزش‌شناسی» (Axiology) که مسائلی همچون ماهیت، ملاک و معیار، جایگاه متافیزیکی و دیگر مسائل مرتبط با ارزش‌ها را بررسی می‌کند (Dagobert, 1976, p32).

با توجه به گستردگی اصطلاحات «ارزش»، برخی تعریف اصطلاحی آن را ناممکن می‌دانند (Van Deth, & Scarbrough, 1998, p3). اما علی‌رغم کاربردهای گوناگون این واژه، «ارزش» در تمام کاربردهای آن معادل «امور مطلوب» به کار می‌رود (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

با توجه به اینکه ارزش اخلاقی، مطلوبیت افعال اختیاری انسان را نسبت به عام‌ترین هدف زندگی انسان ارزیابی می‌کند، بنابراین ارزش‌هایی که افعال اختیاری انسان را تنها با نظر به اهدافی خاص و محدود بررسی می‌کنند (مانند ارزش‌های سیاسی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، حقوقی، و دیگر ارزش‌ها) خود بر اساس عام‌ترین هدف زندگی قابل ارزیابی و ارزش‌گذاری خواهند بود. در ارزش‌گذاری اخلاقی، تمام آنچه ارزش ذاتی و غیری با کمال اختیاری انسان دارد، بررسی می‌گردد و ارزش‌های مثبت یا منفی بر اساس آن تعیین می‌شوند (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

از این رو اگرچه فناوری از منظر ارزش‌های گوناگونی همچون اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی قابل ارزیابی است، اما آنچه به‌مثابه ارزش‌شناسی فناوری در این تحقیق مطرح می‌شود، ارزش‌های اخلاقی است؛ همچنان‌که فیلسوفان عرصه فناوری از بعد ارزش اخلاقی از آن بحث کرده‌اند (ر.ک. بری، ۱۳۹۳). بدین‌روی، در این مقاله هرچا واژه «ارزش» را به کار می‌بریم، همین معنا مد نظر است.

۳-۱. جبرگرایی

برای تعریف و تحلیل دقیق جبرگرایی و ارتباط آن با اراده‌گرایی، ذات‌گرایی و ابزارگرایی، ابتدا درباره مهم‌ترین رویکردهای فلسفه فناوری و ارتباط آن با ارزش‌شناسی بحث می‌کنیم:

۳-۲. مهم‌ترین رویکردهای فلسفه فناوری با نگاه ارزش‌شناسی

مهم‌ترین رویکردهای اندیشمندان فلسفه فناوری در مغرب زمین را در پاسخ به دو پرسش اساسی می‌توان دسته‌بندی کرد: اول. نقش انسان در شکل‌گیری فناوری چیست؟ و چه میزان در شکل‌گیری فناوری و فرایندهای آن تأثیر گذاشته است؟ دوم. نقش فناوری در شکل‌گیری درک و کنش‌های انسان چیست؟ و فناوری چه میزان بر روابط اجتماعی و ادراکات انسانی تأثیر گذاشته است؟

در پاسخ به پرسش نخست، دو دیدگاه کاملاً متضاد شکل گرفته است:

۱-۲. تقسیم‌بندی فیچام

در یک سو، طرفداران اراده‌گرایی (Voluntarism) قرار دارند که بر این باورند: فناوری محصولی کاملاً انسانی است که با اختیار بشر ساخته شده و با نظارت او از آن استفاده می‌شود. از این منظر، انسان‌ها آزادانه این مصنوعات را خلق می‌کنند و آن را توسعه می‌دهند.

در سوی دیگر، دیدگاه طرفداران جبرگرایی (Determinism) قرار دارد. این گروه معتقدند: توسعه فناوری در اختیار انسان نیست و او تنها ابزاری در فرایند این پیشرفت محسوب می‌شود. در این نگرش، فناوری به‌صورت مستقل و بر اساس منطقی درونی رشد می‌کند و همان‌گونه که انسان در برابر مسئله ریاضی دو ضرب در دو آزادی ندارد و ناگزیر به پاسخ چهار است، در برابر روند توسعه فناوری هم هیچ اختیار و انتخابی ندارد.

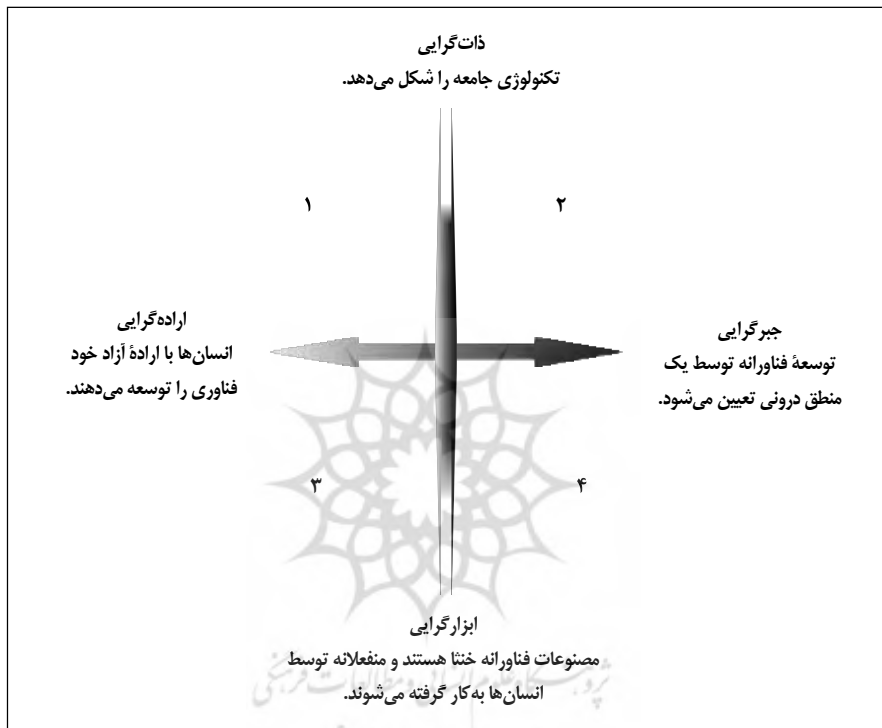
در پاسخ به پرسش دوم نیز شاهد شکل‌گیری دو دیدگاه عمده هستیم:

یک دیدگاه متعلق به ذات‌گرایان (Essentialism) است؛ کسانی که برای فناوری ذات و ماهیتی مستقل قائل بوده، بر این باورند که ابعاد اجتماعی، سیاسی و انسانی مستقیماً تحت تأثیر آن قرار دارند.

دیدگاه دیگر متعلق به ابزارگرایان (Instrumentalism) است؛ کسانی که فناوری را صرفاً ابزاری در دست بشر می‌دانند. در این رویکرد، انسان با انتخاب فناوری و نحوه استفاده از آن، ابعاد گوناگون زندگی خود را شکل می‌دهد (Mitcham & Waelbers, 2009, p371).

با ترکیب و تلاقی دو طیف «ذات‌گرایی - ابزارگرایی» و «اراده‌گرایی - جبرگرایی»، می‌توان جدولی ترسیم کرد که چهار ربع مشخص دارد. در این دسته‌بندی، دیدگاه‌های فیلسوفان فناوری بر اساس نگرش آنها نسبت به ماهیت فناوری و میزان دخالت انسان در توسعه آن تقسیم‌بندی می‌شود (Mitcam & Waelbers, 2009, p372):

شکل ۱: دیدگاه‌های فیلسوفان فناوری بر اساس نگرش آنها نسبت به ماهیت فناوری و میزان دخالت انسان در توسعه آن



در این دسته‌بندی، ربع اول و چهارم، گرچه طرفدارانی دارند، اما دیدگاه‌های مشهور در فلسفه فناوری عمده‌تاً در ربع دوم و سوم قرار می‌گیرند. در ادامه، توضیح هر یک ارائه می‌گردد:

۱-۲. ربع اول: ذات‌گرای اراده‌گرا

شامل فیلسوفانی مانند دیوید کولینریج (David Collingridge) است. او در حالی که اراده‌گرا محسوب می‌شود، برای فناوری ذات مستقل قائل است و آن را دارای نفوذ اجتماعی در جوامع می‌داند. به باور او، فناوری در مراحل اولیه توسعه خود کاملاً انعطاف‌پذیر است و با اراده آزادانه انسان شکل می‌گیرد؛ اما پس از ایجاد، چنان شتاب و نفوذی پیدا می‌کند که انسان با دشواری در برابر آن مقاومت می‌نماید (Mitcam & Waelbers, 2009, p372). یوناس نیز از دیگر نمایندگان این گروه معتقد است: علاوه بر تأثیرگذاری انسان بر تحولات فناوریانه، قدرت‌های انسانی نیز تحت تأثیر آن دچار تغییر می‌شوند و ماهیت کنش‌گری انسان متحول می‌گردد (Jonas, 1988, p1).

۲-۱-۲. ربع دوم: ذات‌گرای جبرگرا

شامل دیدگاه‌هایی است که فناوری را دارای ذات مستقل می‌دانند و تغییرات آن را به‌صورت جبری تفسیر می‌کنند. ژاک لول یکی از مشهورترین نمایندگان این گروه است.

۲-۱-۳. ربع سوم: ابزارگرایی اراده‌گرا

ترکیبی از نگاه ابزاری به فناوری و تفسیر داوطلبانه از نقش انسان در تغییرات فناورانه ارائه می‌دهد. در این دسته، ساموئل فلورمن (Samuel Florman) و بسیاری از مهندسان قرار دارند. همچنین دیدگاه عمومی مردم نیز در این ربع جای می‌گیرد.

۲-۱-۴. ربع چهارم: ابزارگرایی جبرگرا

دیدگاهی را نمایندگی می‌کند که فناوری را ابزاری خنثا می‌داند؛ اما معتقد است: با گذر زمان و توسعه آن، به‌ویژه با دستیابی بشر به بمب هسته‌ای، استقلال و آزادی انسان به چالش کشیده شده است. کارل یاسپرس یکی از فیلسوفان برجسته این گروه محسوب می‌شود (Mitcham, & Waelbers, 2009, p372).

این دسته‌بندی که توسط میچام و همکاران وی ارائه شده، چهار دیدگاه عمده را دربر می‌گیرد. با این حال، به نظر می‌رسد دسته‌بندی آنها کاملاً دقیق نیست؛ زیرا برخی از اندیشمندان فلسفه فناوری را نمی‌توان به‌طور دقیق در این تقسیم‌بندی جای داد؛ همان‌گونه که خود میچام نیز به این مسئله اذعان کرده است (Mitcham, & Waelbers, 2009, p372).

۲-۲. تقسیم‌بندی فینبرگ

فینبرگ نیز با درج جدولی، رویکردهای ارزشی به فناوری را به چهار دسته تقسیم می‌کند: فناوری در نگاه اندیشمندان یا خنثاست یا ارزش‌بار. از سوی دیگر، یا خودمختار است یا تحت سیطره انسان. از تقابل این چهار نگاه، چهار رویکرد ارزش‌شناختی عمده در نگاه به فناوری حاصل می‌شود:

- رویکرد جبرگرایی: فناوری خنثا و خودمختار؛
- رویکرد ابزارگرایی: فناوری خنثا و تحت اراده انسان؛
- رویکرد ذات‌گرایی: فناوری ارزش‌بار و خودمختار؛
- رویکرد انتقادی: فناوری ارزش‌بار و تحت اراده انسانی.

فینبرگ با تبیین این چهار رویکرد، خود را در دسته «رویکرد انتقادی» معرفی می‌کند (Feenberg, 1999, p9).

جدول ۱: رویکردهای ارزشی به فناوری از منظر فینبرگ

فناوری	خودمختار	مهار شده انسانی
خنثا (تفکیک کامل وسیله و هدف)	جبرگرایی (مانند: مارکسیسم سستی)	ابزارگرایی (نگاه آزادانه به پیشرفت)
ارزش‌بار (روشی از زندگی که شامل اهداف است)	ذات‌گرایی (وسایل و اهداف مرتبط با نظام‌ها)	رویکرد انتقادی (انتخاب نظام‌های جایگزین ابزار و اهداف)

این تقسیم‌بندی نیز دقیق و کامل نیست؛ زیرا لزوماً هر جبرگرایی به خنثا بودن ارزشی فناوری اعتقاد ندارد؛ مانند دیدگاه الول که به اذعان خود فیبنرگ، هم در دسته ذات‌گرایان قرار دارد و هم جبرگرایی است که فناوری را خودمختار می‌داند. از سوی دیگر، هر کسی که ذات‌گراست لزوماً اعتقادی به خودمختاری فناوری ندارد، بلکه ممکن است آن را تحت ارادهٔ انسان نیز بداند (Franssen & et al, 2023).

۳-۲. تقسیم‌بندی تایلز و اوبردیک

برخی دیگر در یک تقسیم‌بندی عام تمام رویکردها به فناوری را به دو دسته نگاه خوش‌بینانه (Optimism) و نگاه بدبینانه (Pessimism) تقسیم می‌کنند و تمام رویکردهایی را که نگاهی خنثا به ارزش‌باری فناوری دارند خوش‌بین و رویکردهای ارزشی به فناوری را نسبت به آن بدبین می‌دانند (Tiles & Oberdick, 1995, p10). این نگاه نیز دقیق نیست و نمی‌توان خوش‌بینی و بدبینی را به‌صورت عام به معتقدان نگاه ارزشی و خنثا نسبت به فناوری نسبت داد.

۴-۲. تفکیک هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی در فلسفه فناوری

این تقسیم‌بندی‌ها با وجود داشتن اعتباری در تحلیل فلسفه فناوری، از جامعیت کامل برخوردار نیستند و برخی موارد را نمی‌توان به‌وضوح در آنها جای داد. یکی از مسائل اساسی در دسته‌بندی‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی فناوری، تفکیک میان فناوری به مثابه شیء و فناوری به منزله فعل و معلول فاعل مختار است.

در بسیاری از تحلیل‌ها، این تمایز به‌دقت رعایت نمی‌گردد و گاه احکام مربوط به یکی بر دیگری تطبیق داده می‌شود. برای نمونه، اگر فناوری به مثابه یک شیء خنثا تلقی شود، ممکن است در مقام فاعل نیز فاقد ارزش به حساب آید. از سوی دیگر، اگر یک فناوری به علت آنکه محصول فاعل مختار است، ارزشمند دانسته شود، ممکن است این ارزش به ذات فناوری نسبت داده شود، بدون توجه به نقش ارادهٔ انسانی در آن.

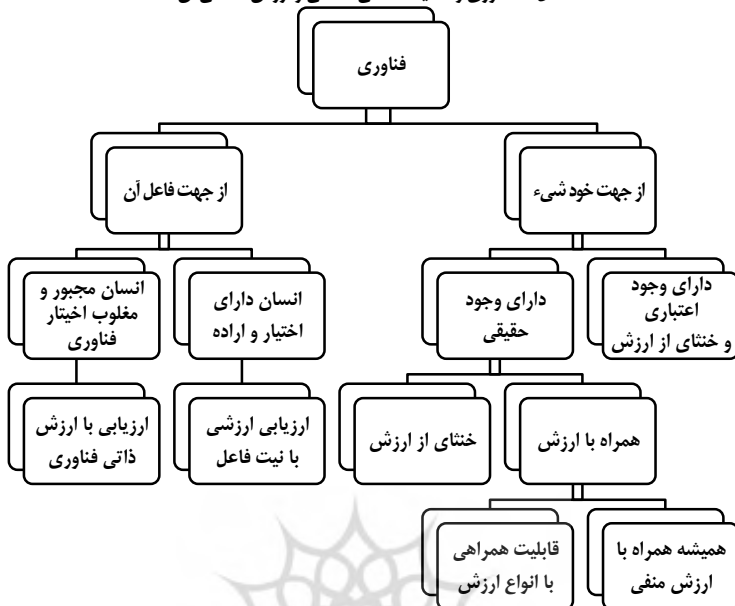
در یک دسته‌بندی دقیق، لازم است میان این دو جنبه فناوری تفکیک قائل شویم و احکام هر یک را جداگانه بررسی کنیم. از این منظر، می‌توان رویکردهای اندیشمندان فلسفه فناوری را به دو دسته «مصنوع بما هو مصنوع» و «مصنوع بما هو معلول الفاعل» تقسیم کرد.

در دسته نخست (یعنی فناوری به عنوان شیء)، فناوری یا دارای وجود حقیقی است یا وجود اعتباری. اگر دارای ذات باشد، این ذات یا همراه با ارزش است یا نسبت به ارزش‌ها خنثاست. همچنین ممکن است ارزش ذاتی آن منفی باشد یا بتواند واجد ارزش‌های مثبت نیز باشد.

در دسته دوم، یعنی فناوری به مثابه فعل و معلول فاعل، مسئله ارادهٔ انسان در تولید فناوری مطرح می‌شود. در اینجا، دو حالت وجود دارد:

اگر فناوری معلول فاعل مختار باشد، ارزش‌های مرتبط با فاعل در آن لحاظ می‌شود و بر اساس نیت فاعل ارزیابی می‌گردد. اما اگر فناوری تحت ارادهٔ فناوری و خارج از اختیار انسان شکل گیرد، انسان در نقش فاعل واقعی آن قرار نمی‌گیرد و از این‌رو ارزش‌گذاری آن متکی بر ذات فناوری خواهد بود، نه بر نیت و ارادهٔ انسانی.

شکل ۲: فناوری و تفکیک هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی آن



از این رو تفکیک میان رویکرد هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی فناوری ضروری است. برخی مدافعان ارزش‌شناسی فناوری ممکن است به روشنی درباره هستی‌شناسی آن سخن نگفته باشند و بالعکس؛ اما برای داشتن دیدگاهی جامع و دقیق، این دو بُعد باید از یکدیگر متمایز شوند.

در ادامه، دیدگاه‌های جبرگرایی و ذات‌گرایی در فلسفه فناوری از منظر ارزش‌شناسی آنها انجام بررسی خواهد شد:

۳. جبرگرایی و خودمختاری فناوری

جبرگرایی در فلسفه فناوری با هدف پاسخ به پرسش‌هایی شکل گرفته است که به میزان تسلط انسان بر فناوری و نقش فناوری در هدایت نیت و مقاصد بشری می‌پردازد. این رویکرد معتقد است: فناوری از منطق درونی خاصی پیروی می‌کند که مستقل از اراده انسانی است و با توسعه فناوری، سایر نهادهای اجتماعی نیز دچار تغییرات جبری خواهند شد (Dusek & Scharff, 2002, p426).

رویکرد جبرگرایی در فناوری بر این باور است که فناوری از یک منطق درونی مستقل پیروی می‌کند و خارج از تسلط و اراده انسانی توسعه می‌یابد (Mitcham & Waelbers, 2009, p371). مطابق این دیدگاه، با تغییر و گسترش فناوری، سایر نهادهای اجتماعی نیز ناگزیر تحت تأثیر آن قرار گرفته، دچار تحول خواهند شد (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۹۷).

«جبرگرایی در فناوری» به این معناست که انسان‌ها در یک نظام فناورانه جبری قرار دارند؛ جایی که کنش‌های آنان تحت هدایت و پایش این نظام شکل می‌گیرد (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۹۷). در این رویکرد، فناوری نه تنها یک ابزار خنثی در خدمت انسان نیست، بلکه به مثابه نیروی مستقل عمل کرده، جهت حرکت اجتماعی و فرهنگی را تعیین می‌کند.

۱-۳. انواع جبرگرایی در فناوری

جبرگرایی در فناوری به دو دسته «جبرگرایی سخت» (Hard determinism) و «جبرگرایی نرم» (Soft determinism) تقسیم شده است (Mitchem, 2005, p512). در «جبرگرایی سخت»، انسان فاقد اراده آزاد است و تمام تغییرات تحت سلطه فناوری رخ می‌دهند. در مقابل، در «جبرگرایی نرم»، انسان دارای اراده آزاد است؛ اما در نهایت تحت تأثیر یک نیروی بزرگ‌تر قرار می‌گیرد (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰).

ژاک الول (Jacques Ellul) از طرفداران «جبرگرایی سخت» است (Ellul, 2003, p436)، درحالی‌که رابرت هایلبرونر (Robert Heilbroner) و اندیشمندانی همچون فینبرگ (Andrew Feenberg) را می‌توان در دسته «جبرگرایی نرم» قرار داد (Feenberg, 1999, p186).

برخی دیگر جبرگرایی فناورانه را به چهار گونه «هنجاری»، «قانون‌شناختی»، «پیامدهای ناخواسته» و «اندازه حرکتی» تقسیم می‌کنند (ر.ک. ورماس و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۵-۱۹۲).

برخی تحلیل‌گران مارکس را از مبدعان جبرگرایی فناورانه می‌دانند (Dusek & Scharff, 2002, p426) و معتقدند: وی با تأکید بر نقش انرژی در اقتصاد و قدرت فناوری در جامعه، به این نگرش مشروعیت بخشید (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷). از این‌رو در این دیدگاه، جامعه نه فرمانده فناوری، بلکه فرمانبر آن است (کازینسکی، ۱۳۹۹، ص ۱۹). ورنر هایزنبرگ (Werner Karl Heisenberg) نیز رویکرد جبرگراییانه مشابهی را مطرح می‌کند؛ جایی که فناوری دیگر محصول آگاهانه تلاش بشری برای افزایش قدرت نیست، بلکه به‌مثابه یک فرایند زیستی، بخشی از محیط زندگی انسانی شده که دیگر تحت تسلط انسان قرار ندارد (Heisenberg, 1955, p14-15).

برخی اندیشمندان بر این باورند که در عصر جدید، فناوری دیگر وسیله‌ای برای تحقق اهداف بشری نیست، بلکه صرفاً ابزاری برای مهار طبیعت و دخالت در آن شده است. از این منظر، پیشرفت‌های فناورانه، نه لزوماً در جهت نیازهای انسانی، بلکه در جهت نمایش قدرت و جسارت فنی به کار گرفته می‌شوند. نمونه‌ای از این رویکرد، تلاش بشر برای فرود آمدن بر کره ماه است که از دیدگاه این منتقدان، نه ضرورتی عملی، بلکه تجلی جاه‌طلبی صنعتی محسوب می‌شود (گلن، ۱۳۸۸، ص ۴).

۲-۳. تمایز میان جبرگرایی و خودمختاری فناوری

باید میان «جبرگرایی» (Determinism) و «خودمختاری فناوری» (Autonomy of Technology) تمایز قائل شد؛ زیرا این دو مفهوم هرچند مرتبطاند، اما یکسان نیستند. «جبرگرایی» بیان می‌کند که فناوری علت تغییرات اجتماعی و فرهنگی است، درحالی‌که «خودمختاری فناوری» به عدم کنترل انسان بر آن اشاره دارد. بنابراین، می‌توان فرض کرد که فناوری با اراده آزاد انسان هدایت شود؛ اما همچنان تعیین‌کننده ساختارهای جامعه باشد (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۹۷). برخی خودمختاری فناوری را پیامد ناخواسته کش‌های انسانی دانسته، آن را به مباحث ماکس وبر نیز نسبت

می‌دهند (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳). مشهورترین مدافع جبرگرایی و خودمختاری فناوری، ژاک ال لول است (Dusek & Scharff, 2002, p426).

۳-۳. نظریه ال لول درباره خودمختاری فناوری

ژاک ال لول به صراحت فناوری را امری خودمختار می‌داند (Ellul, 1964, p125; Dusek & Scharff, 2002, p133) و معتقد است: محیطی که فناوری خلق می‌کند، از نظر ارزش‌ها نیز خودمختار است (Ellul, 1964, p395). از نگاه او، فناوری نه تنها از قوانین خاص خود پیروی می‌کند، بلکه دیگر نهادهای اجتماعی را نیز می‌سازد و راهبری جامعه را در دست دارد. فناوری سنت را به کلی نابود کرده است (Ellul, 1964, p14).

او معتقد است: فناوری ماهیتی خودمختار دارد که با یک منطق درونی در حال حرکت است، توسعه پیدا می‌کند و دیگر نهادهای اجتماعی را برمی‌سازد (Ellul, 1964). او همچنین تأکید می‌کند که فناوری نوین به مرحله‌ای از خودمختاری رسیده است که هیچ‌کس، از جمله سیاستمداران و طراحان فناوری توان مهار پیامدهای آن را ندارد (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱-۱۲۲).

۳-۴. رابطه ارزش‌ها و فناوری در نگاه جبرگرایانه

از دیدگاه ژاک ال لول، یکی از نشانه‌های خودمختاری و جبرگرایی فناوری، پذیرش آگاهانه جوامع انسانی نسبت به انواع فناوری‌ها، با وجود شناخت آثار مخرب آنهاست. به باور او، میل عمومی به خلق روزافزون فناوری‌ها و منطبق شدن جوامع با این روند، تأییدکننده خودمختاری فناوری و سیطره آن بر انسان‌هاست (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳-۱۲۴).

ال لول استدلال می‌کند که قانون‌های اقتصادی و سیاسی، جهت‌دهنده مسیر تحولات فناوری نیستند، بلکه خود فناوری است که ساختار اقتصاد، سیاست و جامعه را شکل داده، دستور می‌دهد که چگونه تغییر کنند. در این چارچوب، فناوری به مثابه یک پدیده مستقل، تصمیمات خود را می‌فهمد و از منطقی درونی تبعیت می‌کند.

این خودمختاری جبری فراگیر ایجاد می‌کند که سایر عوامل غیرفناورانه، از جمله جامعه، سیاست و اقتصاد را تحت سلطه خود قرار می‌دهد و آنها را به کار می‌گیرد (Ellul, 2003, p436).

پس از تبیین مفهوم «خودمختاری» و «جبر فناوری»، ژاک ال لول به بررسی رابطه ارزش‌ها و فناوری می‌پردازد. او معتقد است: در گذشته، بسیاری از اندیشمندان فناوری را بی‌طرف می‌دانستند؛ به این معنا که خود فناوری در معرض ارزش‌های اخلاقی نبود و صرفاً بر اساس نحوه استفاده انسان از آن، از حیث ارزشی ارزیابی می‌گردد.

با این حال، بر مبنای خودمختاری فناوری، ال لول استدلال می‌کند که فناوری نه تنها تابع اراده انسان نیست، بلکه خود به تعیین‌کننده خیر و شر تبدیل شده است. از این منظر، دیگر انسان‌ها معیار ارزش‌گذاری فناوری نیستند، بلکه اکنون خود فناوری در حال تبدیل شدن به یک داور مستقل در حوزه ارزش‌هاست (Ellul, 2003, p439).

او بر تفکیک میان مفاهیم «تکنیک» (Technique)، «تکنولوژی» در معنای عام انگلیسی (Technology) و منشأ فرانسوی آن تأکید دارد و معتقد است: بسیاری از تعاریف موجود در این حوزه، خلط میان این مفاهیم است

(Ellul, 1980, p23-28). همچنین فناوری را قمار قرن می‌داند؛ قمار بر سر اینکه آیا محیط صنعتی بر محیط طبیعی برتری دارد یا خیر؟ از نظر او این شرط‌بندی قابل اعتماد نیست (میچام، ۱۳۹۲، ص ۷۵).

۳-۵. نگاه وینر به خودمختاری فناوری

برخی اندیشمندان، مانند لنگدون وینر (Langdon Winner) خود را جبرگرا نمی‌دانند، اما با الول در خودمختاری فناوری همراهی می‌کنند. وینر با طرح نظام‌های فناورانه، معتقد است: نگاه ابزارگرایانه به فناوری، اشتباهی بنیادی است که منجر به توهّم تسلط آن می‌شود.

به باور او، هرچند مهندسان، طراحان و کاربران بخشی از نظام را مهار می‌کنند، اما هیچ‌یک توانایی احاطه کامل بر فناوری را ندارند و این نظام با قیود خاص خود، همه عوامل انسانی را تحت سلطه می‌گیرد (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳-۱۲۴).

۴. نقد جبرگرایی در فناوری

۴-۱. رابطه اختیار انسان با قوانین اجتماعی، تاریخی و فناوری

در بررسی نسبت اختیار و آزادی انسان با قوانین اجتماعی و تاریخی، سه دیدگاه عمده مطرح شده است که به نظر می‌رسد همین رابطه میان انسان و فناوری نیز وجود دارد.

۴-۱-۱. دیدگاه اول: جبرگرایی سخت

این دیدگاه معتقد است: قوانین اجتماعی و تاریخی، همانند قوانین طبیعی، جبری و قطعی هستند و هیچ جایی برای اختیار انسانی باقی نمی‌گذارند (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶-۱۷۷). بر این اساس، آینده جامعه کاملاً قابل پیش‌بینی است و انسان تحت سیطره این قوانین، بدون اختیار واقعی، مسیر جبری تاریخ و جامعه را دنبال می‌کند.

یکی از نمونه‌های افراطی طرفداران این دیدگاه، پیر سیمون مارکیز دو لاپلاس (Pierre-Simon, marquis de Laplace) است که معتقد بود: تمام رخدادهای انسانی، اجتماعی و طبیعی به صورت علیّ تعیین می‌شوند و از پیش قابل پیش‌بینی هستند (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰). بر اساس این رویکرد، انسان هیچ اراده‌ای ندارد و تحت سلطه قوانین طبیعت، جامعه و فناوری است (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴).

جبر فناورانه ممکن است از این فرض ناشی شود که فناوری دارای هویتی حقیقی و مستقل است؛ همان گونه که طرفداران اصالت جامعه و جبر تاریخی برای جامعه و تاریخ هویت مستقل قائل‌اند.

در نگاه مارکس و اسوالد اسپنگلر (Oswald Spengler)، تاریخ صرفاً حاصل تعاملات انسانی نیست، بلکه خود یک موجودیت واقعی است که انسان‌ها و رویدادها در آن جریان دارند. از این منظر، انسان‌ها تاریخ را نمی‌سازند، بلکه در مسیر آن حرکت می‌کنند و تحت تأثیر جبر تاریخی قرار دارند.

مارکس این دیدگاه را به گونه‌ای مطرح می‌کند که انسان‌ها در برابر رخدادهای تاریخی، همچون قابله‌ای هستند که صرفاً قدرت کمک به تولد جریان‌های تاریخی را دارند، اما توانایی متوقف کردن یا حذف آن را ندارند (سروش، ۱۳۵۸، ص ۸).

۴-۲. دیدگاه دوم: جبرگرایی نرم

این دیدگاه قائل به وجود قوانین جبری اجتماعی، تاریخی و فناورانه است؛ اما اعتقاد دارد: انسان همچنان مقداری از اختیار و نقش‌آفرینی را در این نظام داراست.

در این نگرش، جامعه، تاریخ و فناوری مانند یک کاروان با مسیر مشخص حرکت می‌کنند؛ اما انسان‌ها می‌توانند نقش‌هایی متفاوت ایفا نمایند. به تعبیر علامه مصباح یزدی، این قوانین آزادی انسان را محدود می‌کنند، ولی اختیار او را به کلی نابود نمی‌سازند (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸).

۴-۳. دیدگاه سوم: اختیارگرایی در برابر جبرگرایی

این دیدگاه که علامه مصباح یزدی آن را صحیح می‌داند، معتقد است: پدیده‌های اجتماعی، فناورانه و تاریخی تابع اصل «علیت» هستند، اما این ضرورت به‌معنای جبر نیست. از این‌رو یکی از اجزای علت تامه در این فرایند، اراده انسانی است و انسان می‌تواند بر خلاف مسیر جبری تاریخ، جامعه و فناوری حرکت کند و آنها را دگرگون سازد (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸).

۴-۲. نقد جبرگرایی از منظر فلسفه اسلامی

علامه مصباح یزدی که دیدگاه سوم را صحیح می‌داند، نقدی اساسی بر دیدگاه‌های جبرگرایانه ارائه می‌دهد. ایشان وجه مشترک این دو دیدگاه را اعتقاد به مجبور بودن انسان - دست‌کم در برخی اعمال خود - نسبت به جامعه و تاریخ می‌داند. ایشان تصریح می‌کند:

سخن گفتن از روح جامعه یا تاریخ که همه انسان‌ها را تحت سلطه و تدبیر خود قرار دهد، نادرست است. جامعه و تاریخ، همچون سایر مفاهیم اعتباری، فاقد وجود، وحدت و شخصیت حقیقی هستند. آنچه به‌طور واقعی و عینی وجود دارد، افراد انسانی‌اند که با ایجاد ارتباطات و مناسبات متقابل، وحدتی اعتباری را شکل می‌دهند که به آن «جامعه» گفته می‌شود. بنابراین، جامعه و تاریخ، نه ماهیتی مستقل دارند و نه می‌توانند انسان‌ها را تحت سیطره خود نگاه دارند. از این منظر، سخن گفتن از روح جامعه یا تاریخ، که انسان‌ها را تحت سلطه خود قرار داده باشد، نادرست است. به همین سان، فناوری نیز دارای وجودی اعتباری است، نه یک ذات مستقل و جبری که بتواند اراده انسان‌ها را تحت تسخیر خود درآورد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

۴-۳. نقد نگاه هستی‌شناسی جبرگرایان

در نقد نگاه جبری به فناوری، باید به حقیقت وجودی انسان مختار و دریافت حضوری و وجدانی اراده و اختیار توجه کرد. افزون بر این، چنانچه این دیدگاه مبتنی بر وحدت حقیقی فناوری باشد، توجه به وجود اعتباری آن اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا مصنوع فناوری چیزی جز مجموعه‌ای از اجزای تشکیل‌دهنده خود نیست و از ترکیب این مصنوعات اعتباری، نمی‌توان برای کل فناوری روحی حقیقی قائل شد. بنابراین، فناوری نیز همانند جامعه و تاریخ، فاقد وجود، وحدت و شخصیت حقیقی است که بتواند انسان‌ها را تحت سلطه و تدبیر خود قرار دهد.

منتقدان غربی نیز به این نقد پرداخته‌اند. آنها معتقدند: جبرگرایان فناوری، همچون ژاک ال و ماکس وبر تصور می‌کنند فناوری صرفاً مجموعه‌ای از مصنوعات نیست، بلکه دارای یک روح جمعی و خودمختاری مستقل است (Dusek & Scharff, 2002, p426).

جبرگرایان فناوری، خودمختاری و جبر فناوری را صرفاً متوجه مصنوعات فناورانه نمی‌دانند، بلکه بر این باورند که از مجموع تمام مصنوعات، یک ذات جبری حاصل می‌شود که مستقل از ارادهٔ انسانی عمل می‌کند (Feenberg, 1999, p207). این نقد، دیدگاه هستی‌شناختی جبرگرایان را هدف قرار می‌دهد که جامعه، تاریخ یا فناوری را دارای ذات حقیقی و مستقل می‌دانند. این در حالی است که چنین تفسیری مستلزم نادیده گرفتن اختیار انسان است.

۴-۴. بنیاد اختیاری در فلسفهٔ اسلامی

نکتهٔ کلیدی این است که جبرگرایان مفهوم «ارادهٔ انسانی» را به‌درستی درک نکرده‌اند. نه تنها اسلام و سایر ادیان الهی، بلکه هر نظام اخلاقی و حقوقی، بر اختیار و ارادهٔ آزاد انسان بنا شده است.

اگر انسان مختار نباشد، تمام امر و نهی‌ها، پاداش‌ها و کیفرها بی‌معنا خواهند بود. قرآن نیز تصریح دارد که قوانین اجتماعی و تاریخی، اختیار را از انسان سلب نمی‌کنند (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

شهید مطهری انگیزهٔ مدعیان جبرگرایی را فرار از مسئولیت اعمال و کردار خویش می‌داند و بیان می‌کند: «جبر تاریخ... سبب می‌شود که مسئلهٔ مسئولیت از بین برود؛ یعنی یک نوع تضاد و ناسازگاری میان جبر و مسئولیت وجود دارد؛ چون مسئولیت بستگی دارد به آزادی» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۱۹۳).

۴-۵. نقد پیش‌بینی‌پذیری تاریخ و فناوری

شهید مطهری همچنین استدلال می‌کند که پیش‌بینی قطعی آیندهٔ جامعه و فناوری از اساس باطل است؛ زیرا هر جا ارادهٔ آزاد انسان و تصرف اختیاری او وجود داشته باشد، پیش‌بینی قطعی امکان‌پذیر نیست.

او تصریح می‌کند که قطعیت در علوم طبیعی مانند فیزیک، ناشی از بی‌اختیار بودن طبیعت و جمادات است. اما اگر همین پدیده‌های طبیعی تحت تأثیر ارادهٔ انسانی قرار گیرند، دیگر قابل پیش‌بینی نخواهند بود (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱).

۴-۶. نقد نگاه ویران‌شهری به فناوری

برخی فیلسوفان غربی نیز جبرگرایی فناوری را ناشی از یک نگاه منفی افراطی به فناوری می‌دانند. برای مثال، اندرو فینبرگ در نقد این رویکرد بیان می‌کند: افرادی مانند هایدگر، ژاک ال و ایوان ایلچ (Ivan Illich)، تحت تأثیر یک تفکر ویران‌شهری ناشی از فناوری قرار گرفته‌اند.

به باور او، در این نگرش، سرنوشت انسان‌ها در اختیار فناوری قرار گرفته‌اند و شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی در حال پژمرده شدن است (Achterhuis & et al, 2001, p76).

۵. ذات‌گرایی در فلسفه فناوری

۵-۱. ذات‌گرایی در برابر ابزارگرایی

مارتین هایدگر در مقابل رویکرد «ابزارگرایی»، دیدگاه «ذات‌گرایی» را مطرح می‌کند که عملاً به جبرگرایی می‌انجامد. او با تفکیک میان معنای ظاهری و معنای حقیقی، می‌کوشد تا نگاه ابزاری به فناوری را سطحی و ظاهری و نگاه ذات‌گرایانه را عمیق و بنیادی معرفی کند و از این طریق، ذات‌گرایی را معنای حقیقی فناوری بداند (هایدگر، ۱۳۷۷، ص ۵-۷).
بر اساس دیدگاه هایدگر، فناوری خنثای از ارزش نیست، بلکه در ذات خود، واجد ارزش‌های خاصی است. از این‌رو او رویکرد ذات‌گرایانه را می‌پذیرد و فناوری را دارای ذات حقیقی و مستقل می‌داند.

۵-۲. ذات‌گرایی و انسان‌سازی فناوری

برخی معتقدند: ذات‌گرایی در واکنش به ابزارگرایی شکل گرفت و کوشید تا فناوری را در چارچوبی انسانی قرار دهد (Mitcham & Waelbers, 2009, p374). این رویکرد، مانند افعال انسانی که همراه با اختیار و ارزش هستند، فناوری را نیز دارای ذاتی مستقل دانسته، افعال آن را حامل ارزش‌ها معرفی می‌کند.
ذات‌گرایان فناوری را قدرتی مستقل می‌دانند که توانایی دگرگون‌سازی فرهنگ و جامعه را دارد. آنها بر این باورند که فناوری امری خودمختار است و همواره امکان‌های جدیدی را پدید می‌آورد که فرهنگ خاص خود را نیز به همراه دارد. از دیدگاه آنان، ذات فناوری به‌گونه‌ای است که بشر نمی‌تواند در برابر توسعه فناوریانه مقاومت کند (Achterhuis et al, 2001, p133).

۵-۳. ارزش‌های نهفته در ذات فناوری

ذات‌گرایی، برای فناوری در ذات خود، ارزش‌هایی قائل است؛ مانند اینکه:
- طبیعت را به مجموعه‌ای از کارکردها و مواد خام تقلیل می‌دهد.
- اهداف انسانی را به بهره‌وری از طبیعت محدود می‌کند.
- خالقان خود را تحت سلطه می‌گیرد و بقای معنوی و مادی آنان را تهدید می‌کند (Feenberg, 1999, pVIII).
هایدگر ارزش نهفته در ذات فناوری را نگاه آن به طبیعت می‌داند؛ به این معنا که فناوری، طبیعت را منبعی پایان‌ناپذیر برای استخراج انرژی معرفی می‌کند. به باور او، این ارزش ذاتی، ادراک انسان از جهان را نیز متأثر می‌سازد، به‌گونه‌ای که انسان‌ها، خواه ناخواه، جهان را مطابق با نگرش فناوری کشف می‌کنند و آن را صرفاً منبعی برای بهره‌برداری بی‌حد و حصر از انرژی می‌یابند (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۸۷).

۵-۴. ذات‌گرایی و تغییر شیوه زندگی انسان

ذات‌گرایان استدلال می‌کنند که فناوری نمی‌تواند خنثا باشد و ذات آن همراه با ارزش است. آنها معتقدند: فناوری شیوه زندگی انسان‌ها را در جوامع شکل می‌دهد و اهداف انسانی را نمی‌توان از ابزارهای فناوریانه جدا کرد.

بر این اساس، توسعه فناوری معنای انسان بودن را نیز تغییر می‌دهد، تا حدی که انتخاب و استفاده از فناوری‌ها تعیین می‌کند که افراد چه کسانی هستند.

۵-۵. ذات فناوری و تمدن

ذات‌گرایان، ذات فناوری را حامل ارزش‌هایی می‌دانند که مسئول مشکلات تمدن جدید هستند (Feenberg, 1999, p2-3). از نگاه اندرو فینبرگ، ذات‌گرایان، مانند جبرگرایان، برای فناوری نوعی خودمختاری قائل‌اند و آن را همواره همراه با ارزش‌ها می‌دانند (Feenberg, 1999, p9).

۶. نقد ذات‌گرایی در فلسفه فناوری

برخی منتقدان بر این باورند که هرچند هایدگر منکر اراده آزاد انسان در برابر فناوری نیست، اما عدم تبیین دقیق آن موجب گرایش ضمنی او به جبرگرایی فناوری شده است (دوسک، ۱۳۹۳، ص ۸۷).

از دیدگاه انتقادی، اشکالات هستی‌شناختی رویکرد ذات‌گرایان بر اشکالات ارزش‌شناختی آن مقدم است. ذات‌گرایان با حقیقی و اصیل دانستن ذات فناوری، آن را پذیرای همراهی ارزش‌ها در درون ذات خود می‌دانند.

این در حالی است که فناوری دارای وجودی اعتباری است؛ به این معنا که حقیقتی فراتر از اجزای تشکیل‌دهنده آن ندارد. بنابراین، یک مجموعه اعتباری نمی‌تواند واجد حقیقت مستقل باشد.

«اراده» و «اختیار» از ویژگی‌های نفس انسانی هستند که تنها در وجود حقیقی تحقق می‌یابند. مصنوعات فناوری فاقد نفس، اراده و اختیار هستند و از این رو نمی‌توانند دارای ارزش ذاتی باشند. چون ملاک دارا بودن ارزش در ذات فعل اختیاری است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۲)، محصولات فناوری که فاقد ذات حقیقی و اختیار هستند، نمی‌توانند همراه با ارزش تلقی شوند.

اگر ذات‌گرایی به‌گونه‌ای تفسیر شود که فناوری را مستلزم ویژگی‌هایی بداند که جدایی‌ناپذیر از آن باشند و لازمه وجودی آن محسوب شوند، آنگاه این دیدگاه با چالش اساسی جبرگرایی فناوری در ارتباط با حقیقت اختیار و اراده انسان روبه‌رو خواهد شد. از این موضوع در مباحث انسان‌شناختی به‌تفصیل بحث شده است.

نتیجه‌گیری

در فلسفه فناوری، ذات‌گرایی و ابزارگرایی از یک‌سو، و اراده‌گرایی و جبرگرایی از سوی دیگر، در پاسخ به دو پرسش اساسی شکل گرفته‌اند:

الف. نقش فناوری در شکل‌گیری درک و کنش‌های انسانی چیست و تا چه حد بر روابط اجتماعی و ادراک انسان تأثیر می‌گذارد؟

ب. نقش انسان در شکل‌گیری فناوری و فرایندهای آن چیست؟

برای فهم دقیق ارزش‌شناسی فناوری، باید رویکرد هستی‌شناسانه آن را روشن کرد. ازاین‌رو خود فناوری از دو جنبه قابل بررسی است:

– به‌عنوان مصنوع: آیا وجود حقیقی دارد، یا اعتباری؟

– به‌عنوان فاعل: آیا ذات آن همراه با ارزش است، یا نسبت به ارزش‌ها خنثاست؟

در صورتی که ذات فناوری حامل ارزش باشد، این ارزش‌ها لزوماً منفی هستند یا می‌توانند مثبت باشند.

از سوی دیگر، فناوری به‌عنوان فعل و معلول نیز به دو شکل بررسی می‌شود:

۱. اگر به‌عنوان معلول فاعل مختار باشد، ارزش‌های فاعل در آن منعکس شده و بر اساس نیت انسانی ارزیابی می‌شود.

۲. اگر انسان به‌عنوان فاعل، مغلوب اراده فناوری باشد، از جهت فاعل فاقد ارزش خواهد بود و ذات فناوری خود،

بدون در نظر گرفتن نیت انسانی، ارزش‌گذاری می‌شود.

در نقد دیدگاه جبری به فناوری، باید به وجود اعتباری آن توجه کرد. مصنوع فناوری چیزی جز مجموعه‌ای از اجزای تشکیل‌دهنده خود نیست و نمی‌توان از ترکیب این مصنوعات اعتباری، برای کل فناوری روحی حقیقی قابل شد. بنابراین، فناوری، همانند جامعه و تاریخ، فاقد وجود، وحدت و شخصیت مستقل است که بتواند انسان‌ها را تحت سلطه و تدبیر خود قرار دهد.

یکی دیگر از ایرادات اساسی جبرگرایان، عدم درک صحیح اراده انسانی است. نه تنها اسلام و هر دین آسمانی، بلکه بنیان هر نظام اخلاقی و حقوقی، بر اراده آزاد انسان استوار است.

چون ملاک دارا بودن ارزش در ذات، فعل اختیاری است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۲)، محصولات فناوری فاقد ذات حقیقی و اختیار هستند و ازاین‌رو نمی‌توان آنها را همراه با ارزش تلقی کرد.

منابع

- بری، فلیپ (۱۳۹۳). فلسفه تکنولوژی پس از چرخش تجربی. ترجمه یاسر خوشنویس. تارنمای فرهنگ امروز
www.farhangemrooz.com/news/28700
- دوسک، وال (۱۳۹۳). درآمدی بر فلسفه تکنولوژی. ترجمه مصطفی تقوی. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۰). لغت‌نامه دهخدا. ویرایش دهم. تهران: دانشگاه تهران.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۵۸). فلسفه تاریخ. چ دوم. تهران: پیام آزادی.
- کازینسکی، تئودور جان (۱۳۹۹). بردگی تکنولوژی. ترجمه شاو صالح. تهران: روزنه.
- گلن، آرنولد (۱۳۸۸). تکنولوژی به‌عنوان پدیده‌ای فلسفی. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. اطلاعات حکمت و معرفت، ۸(۴۴)، ۹-۴.
- مارکس، کارل (۱۳۸۶). سرمایه. ترجمه ایرج اسکندری. تهران: فردوس.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). فلسفه اخلاق. تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح، مجتبی (۱۳۸۵). بنیاد اخلاق. چ چهارم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار. چ هشتم. تهران: صدرا.
- میچام، کارل (۱۳۹۲). فلسفه تکنولوژی چیست؟ ترجمه مصطفی تقوی و دیگران. تهران: سروش.
- ورماس، پیتر و دیگران (۱۳۹۱). رویکردی در فلسفه تکنولوژی، از مصنوعات تکنیکی تا سیستم‌های اجتماعی تکنیکی. ترجمه مصطفی تقوی و دیگران. تهران: کتاب آمه.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۷). پرسش از تکنولوژی. در: فلسفه تکنولوژی. ترجمه شاپور اعتماد. تهران: مرکز.
- Achterhuis, H. J. & et al (2001). *American philosophy of technology: The empirical turn*. USA: Indiana University Press.
- Dagobert, D. R (1976). *Dictionary of philosophy*. New Jersey, USA: Adam and Company.
- Dusek, V., & Scharff, R. C (Eds.) (2002). *Philosophy of technology: The technological condition: An anthology*. Blackwell Publishers.
- Ellul, J (1964). *The Technological Society*. New York Vintage.
- Ellul, J (1980). *The technological system*. Trans. from the French by Joachim Neugroschel. New York: Continuum.
- Ellul, J (2003). The 'autonomy' of the technological phenomenon. *Philosophy of technology: The Technological condition*, 2, 430-441.
- Feenberg, A (1999). *Questioning technology*. Routledge.
- Franssen, M. & et al (2023). *Philosophy of Technology*, in *Stanford Encyclopedia of Philosophy*:
<https://plato.stanford.edu/entries/technology>.
- Heidegger, M. (1954). The question concerning technology. *Technology and values: Essential readings*, p 99-113.
- Heisenberg, W. (1955). The development of the interpretation of the quantum theory. In W. Pauli et al. (Eds.), *Niels Bohr and the development of physics* (p. 12-29). Pergamon Press.
- jonas, H (1988). *Technik, Medizin und Ethik. Zur Praxis des Prinzips Verantwortung*, Tijdschrift Voor Filosofie, 50(1).

- Merriam-Webster (2025). *Value*. In *Merriam-Webster.com dictionary*. Retrieved July 26, 2025, from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/value>.
- Mitcham, C. (2005). *Encyclopedia of science, technology, and ethics*. Macmillan: Reference USA.
- Mitcham, C., & Waelbers, K. (2009). Technology and ethics: Overview, in *A Companion to the Philosophy of Technology, Technological Condition*, Ed. by Olsen, J. K. B, & et al, Blackwell Publishing Ltd.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy* (2023). *Philosophy of Technology*: <https://plato.stanford.edu/entries/technology>.
- Tiles, M., & Oberdiek, H. (1995). *Living in a technological culture: Human tools and human values*. Psychology Press.
- Van Deth, J. W. & Scarbrough, E. (Eds.) (1998). *The impact of values* (Vol. 4). Oxford: Oxford University Press.

